



## تمدن اسلامی و پیشرفت سبک زندگی اسلامی

### لاله افتخاری

### عاطفه هاشمی نژاد

۱- عضو هیات علمی دانشگاه شاهد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، جامعه شناسی انقلاب، دانشگاه شاهد

leftekhari@shahed.ac.ir

Atefe.hasheminejaad@yahoo.com

### چکیده

سبک زندگی به همه اصول و مبانی که متن حیات اجتماع و انسان را شکل می دهد، اطلاق می شود که از ارزش های دینی و عرفی جامعه نشأت می گیرد. سبک و سلوک زندگی حاکم بر جوامع، نماینگر فرهنگ، جهان بینی و اعتقادات آن جامعه است که در نوع حیات افراد آن تبلور یافته است. برای تثبیت جامعه اسلامی با تمامی شاخص های مربوط به خود می باید شیوه و سلوک زندگی اسلامی نیز در بطن آن درونی گردد. به این معنا که اصول و احکام دینی زمانی می توانند به طور کامل در جامعه اجرا شوند که سبک زندگی اسلامی در بین اعضای آن گسترش یابد. هدف از این مقاله شناسایی رابطه تمدن اسلامی پیشرفت سبک زندگی است که در آن از روش تحلیل اسنادی با ابزار فیش برداری استفاده شده است. و نتاوشان می دهد که سبک و سلوک زندگی متن تمدن سازی نوین اسلامی را تشکیل می دهد و برای رسیدن به اهداف و آرمان های جامعه و موفقیت در زمینه های گوناگون می باید سبک زندگی بومی و دینی را در بین مردم گسترش داد.

کلمات کلیدی: تمدن اسلامی، پیشرفت، سبک زندگی.

### مقدمه

سبک زندگی به عنوان مجموعه ای از الگوهای رفتاری مبتنی بر فرهنگی است که در حیات فردی و اجتماعی انسانها صورت می گیرد. از سویی آموزه های دین مبین اسلام که تکامل یافته تمام ادیان الهی است و در قرآن و روایات آمده است، کلیه ابعاد مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی زندگی بشر را شامل می شود. در قرآن کریم (وسنت معصومین) تمام احکام و قوانین مورد نیاز در عقاید دینی و احکام مدنی و وظایف اخلاقی شامل دو قسمت دین یعنی ایمان و عمل آمده است. [۱۰] و باید به صورت مرحله ای و گام به گام و روندی را طی کند. مقام معظم رهبری این روند را دارای ۵ مرحله می داند که هر یک بر دیگری تقدم دارد و در حقیقت مقدمه ای برای مرحله بعد به شمار می آید تا تمدن اسلامی شکل گیرد. این مراحل به ترتیب عبارتند از: ۱. تحقق انقلاب اسلامی، ۲. تشکیل نظام اسلامی، ۳. تشکیل دولت اسلامی، ۴. تشکیل جامعه اسلامی، ۵. تشکیل امت اسلامی. در تاریخ (۱۳۹۰/۷/۲۴) رهبری به مناسبتی دیگر از سبک زندگی اسلامی و نقش آن در پیشرفت جامعه و در نهایت در ایجاد تمدن اسلامی سخن می گوید. [۵] همچنین در تاریخ (۱۳۹۱/۷/۲۳) می فرمایند: بدیهی است ایجاد تمدن اسلامی بدون بهره مندی از سبک زندگی، اسلامی میسر نخواهد شد. [۵] لذا در این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی - اسنادی و با



استفاده از منابع کتابخانه پس از تبیین معنای تمدن اسلامی، پیشرفت و سبک زندگی رابطه میان این واژگان را بررسی و سرانجام به این سوال که "راه های تمدن اسلامی برای پیشرفت در سبک زندگی" کدام است پاسخ می گوید.

### ضرورت پژوهش

پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و کارنامه درخشان آن در طول چهل سال، شعار و اجرای تئوری جدایی دین از سیاست و ناکارآمدی دین از سوی استکبار جهانی را خنثی ساخت. جهان غرب تاکنون با اعتقاد به مکتب اومانیزم و لزوم جداسازی معنویت و دین از ساحت تفکر و عرصه سیاست بشری و با جایگزینی انسان، ثروت، قدرت، تجمل و غرور به جای اعتقاد به مبدا غیب (علیرغم برخی موفقیت‌های بزرگ مادی و فکری) موجب ظهور انواع تبعیضات طبقاتی و سیاسی در سطح جهان معاصر گردیده است. در حال حاضر مغرب زمین بدون رجوع آگاهانه و متعادل به اصل الاصول زندگی بشر (آموزه های وحیانی) قادر به خروج از این وضعیت بحرانی متناقض جهانی نیست. [۱۳] واز آنجا که با آمدن اینترنت و شبکه های مجازی دسترسی سریع به تبلیغات و اطلاعات از سوی دیگران موضوع مهم سبک زندگی دچار تهدید جدی شده است ارائه سبک زندگی مبتنی بر فرهنگ غنی اسلامی و مصادیقی از خدمات تمدن های اسلامی در جهت پیشرفت سبک زندگی با هدف حفظ کیان جامعه و نیز اثبات کارآمدی آموزه های اسلامی ضروری می نماید.

### پیشینه تحقیق

در گذشته اقداماتی در رابطه با سبک زندگی اسلامی، تمدن اسلامی و پیشرفت مانند: شهید مطهری (۱۳۷۶)، در خدمات متقابل اسلام و ایران [۱۸]، سعیدرضا عاملی (۱۳۹۱) در کتاب آرمان شهر اسلام از منظر قرآن [۱۴]، نجفی (۱۳۸۹) در مقاله کلیاتی در مورد تمدن غرب و تمدن اسلامی [۱۹]، ودولت ابادی (۱۳۸۹) در مقاله "تمدن اسلامی، تمدن غرب تعامل یا تعارض" به موضوع تمدن و نظام اسلامی [۸]، و دستاوردهای آن پرداخته اند لیکن پژوهشی در رابطه با تمدن اسلامی، پیشرفت و سبک زندگی انجام نگرفته است. لذا مقاله حاضر برای پاسخگویی به این نیاز انجام می گیرد.

### مبانی نظری

تمدن

ایه الله جوادی تمدن را فرآیندی می داند که به دنبال رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان های اقتصادی - اجتماعی شکل گرفته است و زمینه ساز دستیابی انسان به کمال می باشد. [۶] در مجموع تمدن اسلامی را می توان به حاصل برآیند اجتماعی اندیشه، عقاید، رفتار جامعه اسلامی (دولت و ملت) تعریف نمود. در واقع تمدن اسلامی یک کل ذوی الاجزاء است و در همه آن می توان از اجزاء دیگر سراغ گرفت. مثلاً اسلام و تمدن آن "خدا" گراست و بدون استثناء در همه اجزاء این تمدن می توان خدا را دید. [۱۱]

پیشرفت

پیشرفت در لغت مصدر مرخم و اسم مرکب به معنای پیشروی، پیشروی کردن، جلو رفتن، ترقی کردن و میسر بودن است. [۱۱] و در زبان غربی در قالب کلمات ترقیه، تحسین، تطور و تقدم می آید. [۳] در تعریف اصطلاحی، پیشرفت به معنای رشد تدریجی سطح و کیفیت زندگی در عرصه مادی و معنوی در روابط، قوانین و ابزار انسانی است. همچنین می توان پیشرفت را در بهره مندی عام از تمام استعداد های انسانی و همچنین استفاده مناسب از مواهب طبیعی شناسایی کرد. [۵] پیشرفت ابعاد وسیعی دارد. پیشرفت باعث افزایش طول عمر، کاهش مرگ و میر، رفع بیسوادی و بهبود امنیت، سلامت و رفاه می گردد و سبب می شود افراد فرصت زندگی را همان گونه که آرزو دارند به دست آورند. پیشرفت در جامعه، ضروری و تقریباً غیر قابل اجتناب است. از پیشرفت می توان به عنوان توصیفی از ترقی و سعادت انسان نام برد. زیرا مفهومی بیش از رشد اقتصادی دارد.



قرآن کریم برای پیشرفت از واژگان رشد و تعالی و مشتقات آنها استفاده کرده است. رشد در آیات قرآن به رشد اخلاقی، رشد جسمانی و رشد روحانی تقسیم می گردد. قرآن از رشد و پیشرفت، به عنوان امری که خداوند بشر را به آن هدایت می کند و قرآن برای همان نازل شده است در روایات معصومین نیز مطالب ارزشمندی آمده که نمونه ای از آن روایت "من استوی یوماه فهو مغبون" است. یاد کرده: "یهدی الی الرشد" (جن/۲) [۱۶] و در مقابل آن واژه "غی" را قرار می دهد: "قد تبین الرشد من الغی" (بقره/۲۵۶) [۱۶] بر اساس آیات قرآن انبیا برای پیشرفت جامعه بشری آمدند و نه تنها انسان ها را هدایت و تشویق کردند بلکه خود مستقیماً در آن نقش آفرین بودند. برای مثال از داستان داود (ع) سخن می گوید که به تعلیم خداوند که از طریق ذوب فلزات، صنعت ریخته گری را ابداع کرد. (انبیاء/۸۰) [۱۶] شایان ذکر است در پرتو تمدن اسلامی پیشرفت در دو بعد مادی و معنوی صورت می گیرد؛ بعد مادی پیشرفت یعنی انسان به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین مدتی از حیات خویش را در قالب جسمانی در دنیا سپری می کند لذا محتاج امکاناتی است تا نیاز جسم او را برآورده سازد. خداوند بسترسازی تامین این امکانات را به خود نسبت می دهد "و هو الذی انشاکم فی الارض واستعمرکم فیها" (هود/۶۱) [۱۶] و در جای دیگر از رام شدن زمین و تسخیر مخلوقات برای انسان سخن می گوید: "وجعل الارض ذلولاً" (ملک/۱۵) [۱۶] که رزق آن را برای انسان قرار داده است "فکلوا من رزقه" (ملک/۱۵) [۱۶] پیشرفت معنوی و فرهنگی اما از نظر مکتب وحی جایگاه ویژه دارد و زمینه ساز پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی است "ولو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض" (اعراف/۹۶) [۱۶]؛ رشد و پیشرفت معنوی انسان ها مربوط به آخرت است که آنها در اثر ایمان و تقوا و تلاش به ثبات و آرامش رسیده اند.

#### ثروت

بسیاری از متفکرین اقتصادی، پیشرفت را برابر با انبوه محصولات وطنی (GDP) (ارائه ی کالا و خدمات بیشتری برای هر فرد) می دانند و آن را پیشرفت قلمداد می کنند. بالاتر رفتن درآمد موجب راحت تر شدن زندگی مردم، آسایش بیشتر، گزینه های بیشتر، و افزایش تمایل به تفریح و لذت می شود. نتیجه ی برخی تحقیق ها نیز تأیید می کند گرچه (در مقایسه) بین کشورهای که درآمد مردمانشان بالاست خوشحال تر و از زندگی خشنودتر هستند تا افرادی کم درآمد. اما هم بستگی بین این دو متغیر ضعیف است و اکثر اوقات مشاهده می شود ارتباطی بین افزایش میزان درآمد و شادمانی یا خشنودی وجود ندارد. [۲۰]

#### ارزش های انسانی

در ماده ی ۲ بیانیه ی توسعه و پیشرفت اجتماعی سازمان بین المللی حقوق بشر آمده است: پیشرفت اجتماعی باید بر پایه ی منزلت و ارزش انسان ها بنا نهاده شود و ضامن تعالی حقوق بشر و عدالت اجتماعی باشد که بر این اساس: الف) حذف کامل و فوری همه ی اشکال نابرابری، سوء استفاده از افراد، استعمار و نژادپرستی از قبیل آپارتاید و نازیسم و کلیه ی خطامشی ها و نظریه های که مخالف اهداف و اصول سازمان ملل متحد هستند. ب) شناخت و اجرای مؤثر حقوق سیاسی و مدنی، همچنین اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بدون کوچک ترین تبعیض، معیارهایی برای اندازه گیری پیشرفت در جامعه محسوب می شوند.

[۲۰]

#### کیفیت زندگی

در بسیاری از بررسی های مربوط به کیفیت زندگی در جهان، امید به زندگی، مرگ و میر کودکان و میزان بی سوادی را به عنوان شاخص های رفاه در نظر می گیرند. اما چون از معنویت تهی است افراد احساس خوشبختی ندارند. دانش موجب تقاضاهایی از جمله بهبود و تغییر می شود. «چارلز ون دورن» در کتاب تاریخ دانش می گوید: جهالت، (احساس) سعادت را تنها زمانی که جاهل هستی حفظ می کند؛ به محض آنکه چیزی یاد بگیری تازه می فهمید جاهل هستید، آن وقت فرد شروع می کند به خواستن، میل به دانستن. [۲۱]

#### افزایش علم



از دیدگاه برخی، جامعه‌ای که از نظر علمی گام‌های و سویی بردارد به پیشرفت نائل شده است. سیدنی پولارد معتقد است کهنگامیه علم به مهمترین جنبه زندگی انسان تبدیل شده است و که دکارت بر طبق اصول ریاضی یک جهان نو و اطمینان بخش بنا کرد، که عظمتش از جهان مذهب (مذهبی که آنها می شناختند) کمتر نبود، و هنگامی که نیوتون جهان واقعیت را با تمام پیچیدگی‌ها و تضادهایش در چند قانون عمومی گنجانید، دیگر واضح بود که انسان جدید در عرصه‌ی بزرگی از تلاش وارد شده و از دنیای پیشین (مبتنی بر دین) فاصله‌ی زیادی گرفته است. [۴]

این معیارها براساس دیدگاه غیرتوحیدی و سکولار مطرح شده است. چراییتضاد این نگرش با نگاه گذشته (دینی) یعنی تعارض دین و پیشرفت از نظررا درکلام شریعتی می توان یافت که: "وقتی مسیحیت به غرب رفت این غرب نبود که مسیحی شد بلکه این مسیحیت بود که غربی شد. در واقع نظام سیاسی که در غرب وجود داشت برای اینکه خلا موجود در غرب را پر کند با پذیرش مسیحیت آن را تبدیل به یک دین غربی کرد. توحید وقتی به غرب رفته تبدیل به تثلیث و آمیخته به شرک شده است. در حالیکه همین تثلیث میان مسیحیان شرقی مثل مسیحیان ایران، ترکیه، عراق و لبنان وجود ندارد. برداشت مسیحیان شرقی از حضرت عیسی، مثل "اسدالله" است که مابه حضرت امیر نسبت می دهیم یا "نارالله" ی که به امام حسین (ع) نسبت می دهیم. آنها هم پسر خدا را در همین چارچوب ترسیم می کنند درحالی که درغرب چنین نیست. دلیل آنهم این است که مسیحیت وقتی به آنجا رفت دیگر مسیحیت باقی نماند." [۷]

سبک زندگی

سبک زندگی از ترکیب دو واژه سبک و زندگی با دو بار معنایی متفاوت تشکیل شده است. معنای لغوی واژه زندگی روشن است، اما در تعریف واژه سبک در لغت‌نامه‌های فارسی و غیر آن، معانی گوناگون درج شده است که اگرچه ریشه در کاربرد آن در علوم مختلف دارد «در زبان فارسی، واژه سبک در روند مفهومی خود، ابتدا و به شکل غالب در سبک‌شناسی ادبی و هنری به کار می‌رفت»، اما به تدریج در دیگر حوزه‌ها نیز کاربرد یافته است. [۱۱] طرز خاصی از نظم یا نثر، گداختن چیزی را پس از ریختن آمده است. [۱۱]

بنابراین، سبک زندگی عبارت است از: « شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس کننده گرایش‌ها و ارزش‌های فرد یا گروه است و همچنین عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و ... که باهم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را شکل می‌دهند». [۱۷] از این ترکیب برای معرفی نحوه و شرایط زندگی انسان استفاده می‌گردد. البته در زبان عربی گاه از سبک با واژه "سیره" از ماده "سیر" به معنای حرکت، رفتن و راه رفتن یاد می‌شود و سیره پیامبر یعنی سبک، اسلوب و نوع رفتار پیامبر (ص) و امتدی که در عمل و روش برای مقاصد خود بکار می‌برده است. مانند سبک پیغمبر در قضاوت، در سیاست، در معاشرت با اصحاب و در زندگی خانوادگی؛ سبکها مختلفند برای مثال رهبران اجتماع‌ی و سیاسی بعضا سبکشان زور و بعضی حيله و نیرنگ است. یزید و معاویه هر دو از نظر هدف یکی بوده‌اند و اشقیاء هستند ولی متد یزید با متد معاویه فرق می‌کند. [۴]

باید توجه داشت که گروه‌های مختلف تعاریف گوناگونی برای سبک زندگی ارائه کرده‌اند به گونه‌ای که نمی‌توان تعریف واحدی برای آن ارائه داد. در مجموع اما سبک زندگی عبارت است از الگوی رفتاری‌ای که فرد یا جامعه برمی‌گزیند تا او را از افراد یا گروه‌های دیگر متمایز کند.

زندگی از منظر قرآن

از اهداف قرآن کریم، تعلیم سبک زندگی صحیح است، به گونه‌ای که می‌توان با شناسایی ارزش‌ها و هنجارها و ضد آنها که در آیات قرآن به آنها اشاره شده است، این سبک را شناسایی کرد و با انطباق روش زندگی با روش‌های قرآنی به قله سعادت و خوشبختی دست یافت. قرآن کریم در آیات متعدد از یک سو، سبک زندگی غیرالهی را مورد مذمت و تخطئه قرار می‌دهد و این مذمت هم ناظر به ساحت فردی و هم ساحت جمعی آدمی است که از آن جمله می‌توان در ساحت فردی به آیات مبارکه: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفِي خُسْرٍ» (عصر: ۲). «وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ» (زخرف: ۱۵) [۱۶]، «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ



دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء: ۱۱) [۱۶] و در ساحت جمعی به آیات مبارکه: «وَأَتَقُوا فَتْنَةَ آلِ تُبَيِّنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال: ۲۵) [۱۶]، «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ. ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا قَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَهُ وَهُمْ لَا يُشْعُرُونَ» (اعراف: ۹۵-۹۴) [۱۶] اشاره کرد و از دیگر سوی، سبک زندگی صحیح و پذیرفته شده اسلام را بیان کرده از سبک زندگی ایده آل اسلامی با عنوان حیات طیبه یاد می کند، اگرچه تنها یک بار در قرآن به صراحت از حیات طیبه سخن به میان آمده است.

سبک زندگی توحیدی و غیر توحیدی

اسلام همچون دیگر ادیان توحیدی فرهنگ ساز است چراکه فرهنگ عامل بازشناسی انسان از حیوان و شامل مجموعه ای از دانش، ادب، اخلاق، نظام ارزشی، عقاید و افکار می باشد درحقیقت فرهنگ همان شیوه زندگی در تمام ساحت آن است. [۲] فرهنگ نقش اساسی در پذیرایی تمدن دارد به صورتی که می توان گفت تمدن زاینده فرهنگ است. از این رو فرهنگ همچون روحی است که در کالبد مادی و معنوی تمدن دمیده شده و رشد و شادابی کالبد را تامین می کند. هرگاه این روح، سالم، زنده و شاداب بماند تمام اندوخته های مادی و معنوی بشر (تمدن) از خطر فساد و تباهی در امان است اما اگر آسیب دید و به تدریج رو به انحطاط رفت کالبد مادی و معنوی نیز به تباهی خواهد افتاد. [۲] بدیهی است جهان بینی و نگرش به انسان و رسالت او و مبدا و مقصد خلقت در تعریف و تعیین شاخص ها و مولفه های تمدن ها و به تبع آن سبک زندگی تاثیر بسیار دارد و سبک زندگی توحیدی را از غیر آن متمایز می سازد. انسان غیر موحد جهان را کتابی می داند که ابتدا و انتهایش افتاده است به عالم نیز به عنوان طبیعت می نگرد و نه صنع الله که "مایه لکننا الا الدهر" (جائیه/۲۴) [۱۶]. لذا برنامه ریزی اش برای زندگی و ارزش گذاری بر اساس آن با نگاهی که جهان را آیت الهی "و من آیاته خلق السماوات و الارض و اختلاف السننکم و الوانکم" (روم/۲۳) [۱۶] و انسان را خلیفه الله (بقره/۳۰) [۱۶] و تفاوت اقوام را آیت خداند (روم/۲۳) [۱۶] و وسیله باز شناسی آنها از یکدیگر "انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا" (حجرات/۱۳) [۱۶] و تفاخر به اموال و اولاد را لغو و بیهوده "الهاکم التکائر" (تکائر/۱) [۱۶] و مذموم دانسته تنها معیار تشخیص و برتری را تقوا می خواند. "ان اکرمکم عند الله اتقاکم" (حجرات/۱۳) [۱۶] و نگرش او به زندگی و سبک آن کاملا متفاوت است از انسان موحد که تمدن خویش را بر اساس فرهنگ توحیدی بنا می کند و جهان و انسان را تفسیر خلق خدا می داند یعنی کتابی که هم مقدمه دارد و هم متن و هم نتیجه؛ کتابی که اول و آخر آن نیفتاده است بلکه آغازی و سرانجامی دارد. او به "انا لله و انا الیه راجعون" (بقره/۱۵۶) [۱۶] فکر و بر اساس آن برنامه ریزی می کند. این نگرش او سبب ایجاد اعتدال در مصرف، لذت، استراحت، تلاش و بهره گیری از مواهب دنیوی و اخروی می گردد. وی با سبک زندگی صحیح زمینه ساز پیشرفت می گردد و پیشرفت جامعه او بستر ساز تمدن اسلامی می شود که پس از اندک زمانی سرمایه گذاری او با سود کلان به نتیجه می نشیند و سبب پیشرفت و تعالی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی می شود. زمان او را نمی میراند بلکه او است که دهر را میرانده و جاودان گشته است. و این نموداری از خدمات متقابل سبک زندگی اسلامی به تمدن اسلامی و تمدن اسلامی به پیشرفت سبک زندگی انسان مومن است.

تمدن اسلامی، پیشرفت و سبک زندگی

نخستین تجربه تمدن اسلامی در مدینه النبی صورت گرفت سپس پیام ان به گوش جهانیان رسید. مقام معظم رهبری در این باره چنین می فرماید: الگوی تمدن و نظام اسلامی از چنان اهمیتی برخوردار است که پیامبر با هدف ارائه الگوی کامل از یک نظام سیاسی مبتنی بر تعالیم دینی از مکه به مدینه آمدند. [۱۵] هدف این بود که پیام آزادی و بیداری و خوشبختی انسان به همه دلها برسد و این جز با ایجاد یک نظام نمونه و الگو امکان پذیر نبود و این نسخه ای است در مقابل جهل انسان ها، در مقابل استقرار ظلم، در مقابل تبعیض در مقابل پایمال شدن ضعفا به دست اقویا، در مقابل همه دردهایی که از آغاز خلقت بشر از آن دردها نالیده است؛ لذا در محیط تبعیض آمیز مدینه پیامبر (ص) در بدو ورود در خانه محقر ابویوب انصاری منزل



گزیدند.[۷] اما حکومت و تمدنی که پیامبر پایه گذار آن شد یعنی حکومت مدینه النبی دارای شاخصه هایی است که آگاهی از آن می تواند به اصلاح سبک زندگی و در نتیجه پیشرفت و توسعه مادی و معنوی جهان اسلام کمک کند. این سخن به خوبی نشانگر آن است که تمدن اسلامی با توجه به جامعیت (مادی و معنوی)، فطری بودن و سلامت از خطا، دوری از خشونت و اجبار، فرا قومی و فرا جنسیتی بودن تاثیر شایان در نگرش، روش و سبک زندگی انسان ها دارد به گونه ای که هر کجا که بدان ملتی روی آورده اند سبب پیشرفت و تعالی زندگی آنها در ابعاد گوناگون شده است. نمونه ای از آن زندگی ایرانیان است "هنگامی که ایرانیان در راه تمدن اسلامی گام نهادند چیزی که اسلام از آنها گرفت تشتت افکار و عقاید مذهبی بود و به جای آن وحدت عقیده برقرار کرد. مردم شرق و غرب و شمال و جنوب این کشور که برخی سامی و برخی آریایی بودند و زبان ها و عقاید گوناگون داشتند و تا آن وقت رابطه میان آنها فقط زور و حکومت بود برای اولین بار به یک فلسفه گرویدند؛ فکر واحد، آرمان واحد و ایده آل واحد پیدا کردند؛ احساسات برادری در میان آنها پیدا شد؛ حال آنکه رژیم موبدی همواره می کوشید وحدت عقیده بر اساس زرتشتیگری ایجاد کند اما موفق نشد.

ایران در پرتو گرایش به اسلام در همان وقت که کشورهای گرونده به مسیحیت در تاریکی قرون وسطا فرو رفته بودند همدوش با سایر ملل اسلامی و پیشاپیش همه آنها مشعلدار یک تمدن عظیم و شکوهمند به نام تمدن اسلامی شد؛ اسلام حصار مذهبی و حصار سیاسی ای که گرداگرد ایران کشیده شده بود را در هم شکست و دروازه های سرزمین های دیگر را به روی ایرانی و دروازه ایران را به روی فرهنگ ها و تمدن های دیگر باز کرد و از آن دو نتیجه برای ایرانیان حاصل شد یکی این که توانستند

راههای تمدن اسلامی برای پیشرفت سبک زندگی

از مجموع آنچه گفته شد و با توجه به آموزه های دینی و دیدگاه های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری می توان راههای تمدن اسلامی برای پیشرفت سبک زندگی را در محورهای گوناگون مطرح ساخت اما از آنجا که مطالب مذکور غالباً این مطلب را در برداشت از این روتنها بعض محورهای آن به اختصار مطرح می گردد که عبارتند از: ۱. معنویت ۲. استقلال (در تمامی ابعاد) ۳. آزادی ۴. قناعت و پرهیز از اسراف ۴. خودکفایی ۵. بصیرت و هوشیاری ۶. عدالت ۷. حمایت از محرومین و مستضعفین ۸. وحدت کلمه و اتحاد نیروها. ۹. ساده زیستی بویژه برای مسوولان. امام (ره) در اهمیت ساده زیستی می فرماید "بازندگی اشرافی نمی توان ارزشهای انسانی را حفظ کرد." ۱۰. توجه به فرهنگ اسلامی؛ [۱] توضیح آنکه در سبک زندگی که از نظر رهبری متن پیشرفت و تمدن اسلامی را تشکیل می دهد فرهنگ اسلامی در حقیقت "قدرت نرم" بشمار می آید. اهمیت آن بدان جهت است که ناتوی فرهنگی در مراحل نهایی تائیل به فروپاشی ملتها به فعالیت خود ادامه می دهد. ۱۱. هویت مستقل، [۱۲] که به فرمایش رهبری اولین چیزی است که باید به جوان و نوجوان خودمان بدهیم سپس اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می کند. [۲۰] ۱۲. اصلاح آموزش و پرورش؛ چرا که "نظام آموزش و پرورش ما یک نظام غربزده تقلیدی مبتنی بر باورها و مبانی پذیرفته شده ی در اروپا بود." [۲۵] و بدیهی است با این ساختار نمی توان تربیت انسانهایی با سبک زندگی اسلامی را پایه ریزی کرد.

### نتیجه گیری

بشریوسه به دنبال سعادت، پیشرفت، توسعه، آسایش و آرامش بوده است. اما جهان بینی او و فرهنگ برگرفته از آن سبب ایجاد دو نوع تمدن توحیدی و غیر توحیدی شده است. مدل های گوناگون تمدن غیر توحیدی برغم دستیابی به موفقیت هایی در بعضی از ابعاد، چون ریشه الهی نداشته است نتوانسته است نتوانسته است با سخگوی نیازهای واقعی بشر با شد و از این رو بسیاری از این تمدنها در مقطعی خاص صورت گرفته و از بین رفته است اما تمدن توحیدی که شکل کامل شده آن تمدن نبوی (ص) در مدینه النبی و تجربه امروزی آن انقلاب اسلامی ایران می باشد تمدنی است که چون ریشه الهی داشته و مبتنی بر متن مکتب وحی است از حضرت آدم آثار آن شروع تا حضرت خاتم تداوم یافته و تا به امروز و تا قیامت استمرار خواهد داشت این تمدن با پیشرفت کامل در تمام ابعاد زندگی (مادی و معنوی) انسان صورت می گیرد و پیشرفت در علم، تکنولوژی و امکانات رفاهی



زندگی که در تمدن غیرتوحیدی هدف به شمار می آید در تمدن اسلامی تنها ابزاری است که زمینه رسیدن به متن یعنی پیشرفت معنوی و بهره مندی از سبک زندگی صحیح و حیات طیبه را فراهم می سازد و زمینه ساز تشکیل تمدن نوین تمدن فراگیر اسلامی می شود و متقابلاً تمدن نوین اسلامی بستر لازم را برای آگاهی و دستیابی امت به سعادت را فراهم کرده راهها، راهکارها، روشها و بسترهایی را در راستای پیشرفت سبک زندگی شهروندان خود ارائه می کند. که این پژوهش با استفاده از روش تحلیل اسنادی، و بهره گیری از آموزه های اسلامی و دیدگاه های صاحب نظران بویژه امام خمینی و امام خامنه ای مفاهیمی همچون تمدن، پیشرفت و سبک زندگی (توحیدی و غیر توحیدی)، شاخصه ها و دستاوردهای آنها را بررسی نموده و به هدف پژوهش یعنی پاسخ سوال " رابطه تمدن اسلامی با پیشرفت سبک زندگی چیست " دست یافته است.

### پیشنهادات

در خاتمه پیشنهاد می گردد پژوهشهایی تطبیقی و به صورت مستقل در جهت مقایسه میان تمدن توحیدی بویژه اسلامی با تمدنهای غیر توحیدی در قالب برش های تاریخی، جغرافیایی و غیر آن جهت دستیابی بیشتر به الگوهای عینی و موفق تمدن اسلامی و تاثیرات آن بر پیشرفت جوامع و سبک زندگی بشر و تاثیر متقابل آنها در تحقق تمدن اسلامی صورت گیرد.

### منابع

۱. ابوالقاسمی، محمدجواد؛ فرمهبینی فراهانی، محسن، پژوهشی در آسیب شناسی توسعه فرهنگ دینی، تهران: عرش پژوه، (۱۳۸۴).
۲. آدمی ابرقویی، علی؛ نصراللهی، روح الله، "دانشگاه تمدن ساز ضرورت تاریخی عصر جدید"، دانشگاه تمدن ساز، تهران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۶.
۳. انطون، الیاس. القاموس العصری، مترجم مصطفی طباطبایی، تهران: الاسلامیه، ۱۳۵۶.
۴. پولارد، سیدنی. اندیشه های ترقی تاریخ و جامعه، حسین اسدپور پیرانفر، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۴.
۵. تهرانی، ایمان (۱۳۹۳)، رمز پیشرفت، بررسی مفهوم پیشرفت از منظر مقام معظم رهبری، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
۶. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم: اسراء، ۱۳۸۰.
۷. حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای رهبری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
۸. دولت آبادی، فیروز، "تمدن اسلامی، تمدن غرب تعامل یا تعارض"، تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی، تهران: نشر عروج، ۱۳۸۹، صص ۶۰-۴۹.
۹. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۱۰. دین پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، مترجم غلامرضا سعیدی، تهران: جهان رایانه کوثر، چ ۲، ۱۳۸۶.
۱۱. زارعی، سعدالله، "تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره)، تهران: نشر عروج، ۱۳۸۹، صص ۱۴۷-۱۴۱.
۱۲. سلطانی زاده، ابوالحسن؛ بخشی، حمیدرضا (بی تا)، ناتوی فرهنگی، تهران: اسوه، ۱۳۸۹.
۱۳. سیاهپوش، امیر؛ آقاپور، علی، فرهنگ در نظر مقام معظم رهبری، تهران: نشر شهر، چ ۲، ۱۳۹۰.
۱۴. شکرخواه، یونس، "تکثرگرایی سیاسی در جهان معاصر و جایگاه تمدن اسلامی، تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی، تهران: نشر عروج، ۱۳۸۸، صص ۶۱-۷۴.
۱۵. عاملی، سعید رضا، آرمانشهر اسلام از منظر قرآن، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۱.



۱۶. علیزاده ، حسین وهمکاران، دولت وفرهنگ دینی،تهران: عرش پژوه، ۱۳۸۴.
۱۷. قرآن کریم
۱۸. مهدوی کنی، محمدسعید ، دین وسبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۶.
۱۹. مطهری، مرتضی، الف.تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۷۶.
۲۰. نجفی، کاظم ، "کلیاتی در مورد تمدن غرب وتمدن اسلامی"، تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) ، تهران، نشر عروج، ۱۳۸۹، صص ۱۱۴-۱۰۵.
21. Campbell, Angus, and et al.. The Quality of American Life: Perceptions, Evaluations, and Satisfactions. New York. Russell Sage Foundat.(1976)
22. Veenhoven, Ruut. Conditions of Happiness, Dordrecht/ Boston. D. Reidel Publishing Co (1984)